



**دانشکده علوم انسانی**

**گروه حقوق**

**عنوان : مقابله با بحران های انسانی خاورمیانه در پرتو دکترین مسئولیت حمایت با**

**تاکید بر رویداد های سوریه و لیبی**

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل

**استاد راهنما : آقای دکتر حسین شریفی طراز کوهی**

**استاد مشاور : آقای دکتر آل کجباف**

**دانشجو : ملیحه گودرزی**

**زمستان ۱۳۹۰**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**تقدیم به پدر و مادر عزیزم  
که در تمامی این سال های سخت  
حامی و پشتیبان بودند.**

با تقدیر و تشکر از تمامی عزیزانی که در طول گردآوری این پژوهش به بنده کمک و مساعدت نموده ، به خصوص از اساتید عالی قدر جناب آقای دکتر شریفی طراز کوهی و جناب آقای دکتر آل کجیاف که با صبر و حوصله فراوان من را در این راه سخت و دشوار همراهی نموده اند کمال تشکر و قدردانی را می نمایم.

## چکیده:

نقض سیستماتیک و سازمان یافته حقوق بشر همیشه یکی از دردناک ترین نوع جنایاتی است که در مخاصمات مسلحانه داخلی و بین المللی به وقوع پیوسته است و تاریخ گواهی است بر این ادعا. با تشکیل جامعه ملل و به تبع آن سازمان ملل امید می رفت که ساز و کاری اندیشیده شود که دیگر این گونه جنایات تکرار نشود، ولی با شروع جنگ سرد عملاً ساز و کارهای پیش بینی شده در منشور به حالت اغما رفته و قابلیت اجرایی خود را از دست دادند تا اینکه با فروپاشی شوروی در اوایل دهه ۹۰ میلادی دنیا شاهد اقدامات گسترده شورای امنیت برای جلوگیری از این گونه جنایات بود، ولی همه این اقدامات که شورای امنیت به انجام آن مبادرت ورزیده لزوماً مداخله بشردوستانه به معنای واقعی خود نبوده اند و انتقاداتی را در پی داشته اند تا اینکه حقوقدانان به سوی نظریه جدیدی به نام دکترین مسئولیت حمایت رفته و سازوکارهای را برای آن ایجاد نمودند. این دکترین در سال ۲۰۰۵ در اجلاس سران سازمان ملل به اتفاق آرا تصویب شد و کم کم زمینه اجرایی پیدا نمود، هرچند عملیات های بشردوستانه پیش از آن نیز می تواند در چارچوب آن تحلیل گردد.

در سال ۲۰۱۰ کشورهای عربی شاهد انقلابات گسترده ای بوده که دامنه اش هنوز هم ادامه داشته و پور شور دنبال می شود. در این بین حاکمان دیکتاتور (لیبی و سوریه) این کشورها اقدام به نقض گسترده حقوق بشر و کشتار بیرحمانه مردم بی دفاع خود نمودند که با واکنش های متفاوت جامعه جهانی مواجه شده است. حال در چارچوب دکترین مسئولیت حمایت باید چاره ای اندیشیده شود که از اینگونه جنایات در این منطقه و در این برهه زمانی جلوگیری شود.

به نظر می رسد اقدامات صورت گرفته در یمن و اصلاحات هرچند کوچک صورت گرفته در بحرین بتواند نمونه های از اعمال فشار بر این کشورها در جهت رعایت این اصل از سوی اتحادیه عرب و جامعه جهانی

باشد و یا لیبی بعد از قذافی به سمتی پیش می رود که قانون اساسی جدید نگارش یافته و خشونت های بعد از درگیرهای خونین داخلی رو به فروکش کردن نهاده است و پروسه نهایی این دکترین نیز در این کشور رو به پایان باشد. با این حال بحران سوریه به خاطر پیچیدگی های فراوان آن تا به امروز لاینحل باقیمانده است.

## **کلمات کلیدی:**

نقض سیستماتیک حقوق بشر - دکترین مسئولیت حمایت - مداخله بشردوستانه - حاکمیت

# فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
فصل اول : مداخله بشردوستانه و توسعه و تحول آن .....	۹
مبحث اول: مفاهیم پایه.....	۱۱
گفتار اول: حاکمیت.....	۱۱
گفتار دوم: اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها.....	۱۸
مبحث دوم : مفهوم مداخله بشردوستانه.....	۲۲
گفتار اول: مداخله و انواع آن.....	۲۲
گفتار دوم : مداخله بشردوستانه و تحولات آن.....	۲۷
فصل دوم: دکترین مسئولیت حمایت و سازوکارهای آن.....	۳۷
مبحث اول: مفهوم دکترین مسئولیت حمایت.....	۳۸
گفتار اول: مبانی حقوقی و تاریخچه دکترین.....	۳۸
گفتار دوم : سوء تعبیرهای موجود در باره دکترین.....	۴۳
بند اول: R2P و مداخله بشردوستانه.....	۴۳
بند دوم: R2P و کاربرد زور.....	۴۶
بند سوم : R2P و مداخله در کشورهای ضعیف.....	۴۶
بند چهارم : R2P نظریه ای عام الشمول.....	۴۹
بند پنجم: مداخله در عراق (۲۰۰۳) و R2P.....	۵۰



مبحث دوم : ساز و کارهای اجرایی دکترین.....	۵۱
گفتار اول: پیش از بحران.....	۵۳
گفتار دوم: در حین و پس از بحران.....	۶۰
بند اول: واکنش به بحران.....	۶۰
بند دوم : مسئولیت بازسازی.....	۶۵
فصل سوم : جرایم تحت پوشش دکترین مسئولیت حمایت.....	۷۰
مبحث اول : جرائم علیه بشریت و جنایات جنگی.....	۷۱
گفتار اول: جرائم علیه بشریت.....	۷۱
گفتار دوم: جرائم جنگی.....	۷۸
مبحث دوم: نسل کشی و پاک سازی قومی.....	۸۶
گفتار اول: نسل کشی.....	۸۷
گفتار دوم: پاک سازی نژادی.....	۹۰
فصل چهارم: اقدامات انجام گرفته در چارچوب دکترین مسئولیت حمایت در بحران های اخیر کشورهای عربی خاورمیانه.....	۹۶
مبحث اول: لیبی و دارفور سودان.....	۹۸
گفتار اول: دارفور.....	۹۸
گفتار دوم: لیبی.....	۱۱۰

مبحث دوم: سوریه و سایر کشورهای درگیر ..... ۱۲۱

گفتار اول: سوریه ..... ۱۲۱

گفتار دوم: بحرین ..... ۱۲۶

نتیجه گیری ..... ۱۳۰

منابع و مآخذ ..... ۱۴۱

# مقدمه

مهمترین پدیده امنیتی بعد از پایان جنگ سرد گسترش جنگ های داخلی و ناامنی در درون مرزهای کشوری بوده است؛ بطوریکه در دهه نود میلادی بیشتر از آنکه مرزها متاثر شوند، انسانها متاثر گردیدند.

دردوره جدید تهدیدات جدیدی اعم از جنایات سازمان یافته، حملات تروریستی، سلاح های کشتار جمعی، خشونت های قومی، بیماری های مسری، گسترش فقر، مخاصمات داخلی، و نقض فاحش و سیستماتیک حقوق حقوق بشر در اشکال مختلف پاک سازی قومی، نسل کشی، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی در برابر انسان ها قرار گرفته است.<sup>1</sup> در پرتو این تحولات مفهوم امنیت دچار دگرگونی اساسی گردید و مفهوم «امنیت انسانی» در کنار مفهوم «امنیت ملی» و حتی با توجه و تمرکز بیشتری مطرح شد به گونه ای که در دهه ۹۰ میلادی بسیاری در درون و بیرون دولت ها، دنیا را از پشت این عینک تماشا می کردند و از نگاه آنها مفهوم کهنه امنیت دولت محور دیگر نمی توانست پاسخ بلند مدتی برای تهدیدات بین المللی جدید ارائه کند.<sup>2</sup>

رویکرد امنیت انسانی که بر مبنای توسعه طراحی شده است، رویکردی بر مبنای نیازهای انسانی است و در رویکرد سال های اخیر برنامه ملل متحد چنین انگاشته می شود که رفاه انسانی بعنوان بهترین شاخص امنیت تلقی می گردد و از آنجا که بر اساس دیدگاه امنیت انسانی، برخورد و تنش

---

<sup>1</sup> - سجاد سلطان زاده، " بررسی حقوقی استناد به دکترین مسئولیت حمایت در حمله به گرجستان"، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و سوم شماره ۹۴، ۱۳۸۸، ص ۹۴۰

<sup>2</sup> - Jody Williams, "new approaches in changing world : the human security agenda in : banning landmines", uk, Rowman littlefield publisher, INC. 2008. P 282

دولت ها با هم یک تهدید جدی بشمار می آید لذا تئوری مسئولیت حمایت نقش مهمی درخصوص مداخلات بشردوستانه و بازسازی دولت ها ایفا می نماید.<sup>۱</sup>

بین سال های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۴ شورای امنیت سازمان ملل بیش از دو برابر کل عمر خود قطعنامه تصویب کرد ، زیرا آنچه تحت فصل ۱۳ منشور ملل متحد ، تحدید علیه صلح و امنیت بین المللی تلقی می شد به نگرانی های بشردوستانه گسترش یافته بود و شورای امنیت بر این مبنا مجوز مداخله در امور داخلی کشورها را صادر می نمود.

### **تبیین مسئله:**

موج بیداری مردم در کشورهای عربی در سال ۲۰۱۱ با واکنش شدید حاکمان این کشورها روبرو شده است به طوری که این حکام برای حفظ جایگاه خود دست به جنایت های بسیاری علیه مردم بی دفاع کشورها خود زده اند ، در این بین شورای امنیت قطعنامه های چندی در این رابطه صادر نموده و عملیات نظامی را در قالب نیروهای ناتو علیه لیبی و برضد سوریه نیز تحریم های اقتصادی را اعمال داشته است که به نظر می رسد این اعمال فشارها در چارچوب دکترین مسئولیت حمایت قابل دفاع باشد .

به طور کلی دکترین مسئولیت حمایت ، به مسئولیت جامعه بین المللی در قبال نقض فاحش حقوق بشر در قالب جنایات سازمان یافته ای همچون نسل کشی ، جنایت علیه بشریت ، جنایات جنگی و پاک سازی قومی اشاره دارد .

---

<sup>3</sup>- Shahrbanou Tadjbakhsh, "Human Security: Concepts and Implications with an Application to Post-Intervention Challenges in Afghanistan", Centre d'études et de recherches internationales Sciences Po, available at :[http://www.ceri-sciencespo.com/publica/etude/etude117\\_118.pdf](http://www.ceri-sciencespo.com/publica/etude/etude117_118.pdf) visited on 2/6/2010

در صورت وقوع چنین رویدادهایی جامعه بین المللی بایستی وارد عمل شده و از وقوع آنها جلوگیری نماید<sup>۱</sup> و این یاد آور همان گفته کوفی عنان دبیر کل و قت سازمان ملل است که نباید حادثه رواندا بار دیگر تکرار شود.<sup>۲</sup>

تا کنون ۵ قطعنامه از سوی سازمان ملل با موضوع دکترین مسئولیت حمایت از سوی مجمع عمومی و شورای امنیت به تصویب رسیده است که اعلامیه سران در سال ۲۰۰۵ مهمترین آنها می باشد. در مواد ۱۳۸ و ۱۳۹ این اعلامیه بیان می کند که :

۱۳۸- هر یک از کشورها به نوبه خود مسئولیت حمایت از شهروندان خود را در مقابل جنایات نسل کشی ، جنایات جنگی ،پاک سازی قومی و جرایم علیه بشریت به عهده دارد، این مسئولیت شامل جلوگیری از وقوع چنین جنایاتی است که شامل جلوگیری از تحریک به وسیله ابزارهای مناسب است .جامعه بین المللی مسئولیت حمایت از بشریت و عمل به این ماده را می پذیرد .جامعه بین المللی باید با ابزارهای مناسب به دولت ها برای عمل به مسئولیتشان کمک نموده و سازمان ملل را برای تاسیس یک سیستم هشدار قبلی در این زمینه کمک نماید.

۱۳۹- جامعه بین المللی از طریق سازمان ملل همچنین مسئولیت دارد با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک و دیگر ابزارهای صلح آمیز و بر طبق فصول ۶ و ۸ منشور سازمان ملل از بشریت در مقابل جنایات نام برده شده حمایت نماید .بنابراین ، شورای امنیت بر اساس فصل ۷ منشور و با توجه به هر مورد و با همکاری سازمان های منطقه ای مرتبط ،در صورت امکان با توسل به ابزارهای مسالمت آمیز(در غیر این صورت با توسل به زور) ، در صورتی که آشکار شود که مقامات ملی

---

1-Gareth evans , **the responsibility to protect** , brooking institution press, Washington D.C, 2008, p.31

2-Vijay Mehta, "Can it be enforced to prevent wars, genocides and crimes against humanity", available at :[www.vmpeace.org](http://www.vmpeace.org), visited on 20/6/2010

صلاحیت دار توان حمایت از شهروندان را در مقابل جنایات نام برده شده در بالا را ندارد ، وارد عمل شده و قبل ، یا در حین و یا بعد از وقوع ، از آن جلوگیری نماید .

از این دو ماده چهار نکته استنباط می شود.<sup>۱</sup>

۱- دولت ها باید از شهروندان خود در قبال جنایات بین المللی یاد شده حمایت کنند .

۲- سازمان ملل باید به دولت های ضعیف در این زمینه کمک نماید .

۳- شورای امنیت موظف است با اختیاراتی که طبق فصل ۷ منشور و با کمک سازمان های

منطقه ای در مواردی که دولت حاکم توانایی لازم را در جلوگیری از وقوع چنین جنایاتی

را ندارد وارد عمل شود .

۴- جامعه بین المللی نیز مسئولیت دارد با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک و مناسب از وقوع

چنین حوادثی پیشگیری نماید .

در اینجا بایستی توجه شود که هیچ کدام از اسناد که تاکنون در این باره به تصویب مجمع عمومی

رسیده و همچنین قطعنامه ۱۶۷۴ شورای امنیت ، لازم الاجرا نبوده و صرفاً جنبه توصیه ای دارند .

چرا که دکتترین مسئولیت حمایت استثنایی بر اصل حاکمیت ملی و اصل عدم مداخله در امور داخلی

دیگر کشورها تلقی می شود ، امری که ممکن است از سوی کشورهای کوچک و ضعیف به

دیده تردید به آن نگاه شود چرا که هنوز هم این دو اصل از جایگاه بالایی در عرصه بین المللی و

داخلی برخوردار هستند .

---

1-Patricia weber ,”too political or not political enough? A foucauldian reading of the responsibility to protect”, **the international journal of human right**, vol.3,no.4, September 2009 ,p585

با تمام آنچه در بالا گفته شد عملیاتی شدن این دکترین می تواند گام بزرگی در حمایت از بشر در قبال جرایم سازمان یافته به شمار آید .

### **سوال اصلی:**

۱- آیا بر مبنای دکترین مسئولیت حمایت مقابله با بحران های انسانی کشورهای عربی در مقایسه با نظریه مداخله بشر دوستانه دستاوردهای مطلوب تری به همراه خواهد داشت؟

### **سوالات فرعی:**

۲- دکترین مسئولیت حمایت از چه ویژگی ها و شاخص هایی برخوردار است و وجوه تمایز آن از مداخله بشردوستانه چه می باشد؟

۳- منظور از نقض سیستماتیک حقوق بشر چیست؟

۴- آیا پس از جنگ سرد بر مبنای دکترین مسئولیت حمایت ، به دلیل نقض سیستماتیک حقوق بشر دخالتی در کشورهای بحرانی صورت گرفته است؟

### **فرضیه :**

۱- دکترین مسئولیت حمایت از ظرفیت جلوگیری و مقابله و کنترل بحران های انسانی برخوردار است و امکان پیشگیری و مقابله با آنها قبل ، حین و بعد از بحران را برای دولت ها و جامعه بین المللی فراهم می نماید .

۲- در چارچوب دکترین مسئولیت حمایت ، به نحو مطلوب تری با بحران های انسانی کشورهای عربی خاورمیانه در مقایسه با بحران های سیاسی گذشته مقابله شده است .



۳- نقض سیستماتیک حقوق بشر یعنی اقدامات خشونت آمیز سازمان یافته علیه گروه دسته و یا جمعیت خاصی به منظور نابودی تمام یا بخشی از این گروه مانند اقدامات دولت بعث عراق علیه جمعیت کرد یا شیعه این کشور و یا جنایات صورت گرفته در سربرنیستا.

۴- به نظر می رسد اقدامات صورت گرفته در سودان در چارچوب سازمان وحدت افریقا و شورای امنیت را بتوان نمونه ای از اعمال دکترین مسئولیت حمایت در نوع ابتدایی آن دانست.

## **اهداف:**

آشنایی با کارکردهای دکترین مسئولیت حمایت و وجوه تمایز و اختلاف آن با مداخله بشردوستانه و همچنین یافتن راهکارهایی برای جلوگیری از نقض فاحش حقوق بشر.

## **پیشینه تحقیق**

در سال های اخیر موارد نقض بنیادین حقوق بشر به صورت سیستماتیک در برخی کشورها آنچنان شدید بوده است که جوامع سیاسی مزبور را به بحران کشانده است و به نظر می رسد که نظام حقوق بشر در این خصوص از کارایی مقتضی برخوردار نبوده است. دکترین مسئولیت حمایت نه تنها برای حل چنین بحران هایی بلکه برای جلوگیری وقوع (پیش بینی) از چنین بحران هایی ارائه شده است، بنابراین آشنایی با این دکترین در سطح آکادمیک و نیز عملی ضرورتی آشکار می باشد. تا کنون به زبان انگلیسی کتب و مقالات پژوهشی نسبتاً زیادی منتشر شده است که در اینجا به تعدادی از آنها اشاره می کنیم و همچنین در زبان فارسی نیز هم در حوزه مداخله بشردوستانه و هم در حوزه

مسئولیت حمایت کارهای پژوهشی اندکی انجام شده است که در ذیل به آنها اشاره می‌کنیم.<sup>۱</sup> ولی از این جهت که اخیراً انقلاب‌های مردمی بسیاری در کشورهای عربی صورت پذیرفته و جامعه بین‌المللی نیز تلاشهایی را برای جلوگیری از نقض فاحش حقوق بشر انجام داده و انجام میدهد ضرورت بازخوانی این اصل قانونی در مواجهه با این فجایع انسانی بیش از پیش ضروری بنظر می‌رسد.

## روش تحقیق و گردآوری داده‌ها

پژوهش مزبور از نوع پژوهش‌های توصیفی - تحلیلی بوده و هدف توصیف عینی و منظم موضوع مورد پژوهش بوده است. در این پژوهش اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای - اسنادی جمع‌آوری شده است.

## نقطه تمرکز

در این تحقیق روی این موضوع تاکید می‌شود که دکتترین مسئولیت حمایت در مقایسه با سازوکارهای بین‌المللی از قبل موجود همچون مداخله بشردوستانه، از قابلیت بیشتری برای مقابله با بحران‌های انسانی و حتی واداشتن نهاد‌های بین‌المللی اقدامات مقتضی برخوردار است.

## ساختار پژوهش

---

<sup>۱</sup> - جباری، منصور؛ جلیل حاضر وظیفه قره باغ؛ "ارزیابی دکتترین مسئولیت حمایت در بحران دارفور سودان"؛ راهبرد؛ شماره ۵۸؛ سال بیستم؛ ۱۳۹۰ - سلطان زاده، سجاد؛ "بررسی حقوقی استناد به دکتترین مسئولیت حمایت در حمله به گرجستان"؛ فصلنامه سیاست خارجی؛ سال بیست و سوم؛ شماره ۹۴؛ ۱۳۸۸ - کروی، محمدتقی؛ "دکتترین مداخله بشردوستانه در پرتو حقوق بشر هزاره سوم"؛ مجله کانون وکلای دادگستری مرکز؛ شماره ۱۱ و ۱۲؛ پیاپی ۱۸۰ و ۱۸۱؛ تابستان ۱۳۸۴ - آخوندان، الهام؛ منازعه اسرائیل - فلسطین در پرتو دکتترین مسئولیت حمایت؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه علامه طباطبایی؛ ۱۳۸۹

-Badescue Cristina .G & Bergholm Linna , " the responsibility to protect and the conflict in Darfur : the big let-town" , security dialogue , vol.40, no.3 , 2009

-Gareth evans , the responsibility to protect , brooking institution press, Washington D.C, 2008

پژوهش حاضر در چهارفصل تنظیم شده است که در فصل اول ( مداخله بشر دوستانه و توسعه و تحول آن) به مفاهیم و کلیات این پژوهش همچون اصل حاکمیت و اصل عدم مداخله و سپس استثنائات وارد شده بر این دو یعنی مداخله بشردوستانه و دکترین مسئولیت حمایت پرداخته شده است . در فصل دوم (دکترین مسئولیت حمایت و ساز و کارهای آن ) نیز به بیان شاخص های دکترین مسئولیت حمایت و سازوکارهای اجرایی و تفاوت های آن با مداخله بشردوستانه میپردازد ؛ فصل سوم ( جرایم تحت پوشش دکترین مسئولیت حمایت ) نیز به جرایم تحت پوشش این اصل قانونی و تشریح هرکدام از اینها اختصاص یافته است و در نهایت در فصل چهارم ( اقدامات انجام گرفته در چارچوب دکترین مسئولیت حمایت در بحران های انسانی اخیر کشورهای عربی خاورمیانه) به بررسی بحران های انسانی اخیر کشورهای عربی خاورمیانه و راهکارهای مقابله با آنها در چارچوب دکترین مسئولیت حمایت پرداخته شده است . و در آخر نیز از مباحث نتیجه گیری می شود.

## فصل اول : مفهوم مداخله بشر دوستانه و توسعه و تحول آن

اصولی چون حاکمیت و اصل عدم مداخله دو مفهوم بنیادین و اولیه حقوق بین الملل می باشند که در ماده ۲ منشور به آنها پرداخته شده است و حقوقدانان نیز در دوره های مختلف زمانی و باتوجه به موقعیت های مختلف تفاسیر و تعاریف گوناگونی را بر آنها بار نموده اند از این روست که تفسیر این دو اصل همیشه چالشی برای حقوقدانان مختلف بوده و می باشد .

یکی از استثنائاتی که بر این دو اصل وارد شده مداخله بشر دوستانه بوده است که این امر سابقه طولانی دارد و همیشه طرفداران و مخالفانی نیز داشته و دارد و هرکدام از طرفین برای توجیه نظرات خود توجیحات و تفاسیر مختلفی ارائه داده اند.

در این فصل ابتدا به ارائه تعاریفی از این اصطلاحات و سپس به سیر تحولات که در طول زمان به خصوص در چند دهه اخیر خواهیم پرداخت.